

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز  
سال هفتم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۵ (پیاپی ۱۳)

نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک به روایت کتاب ماه کودک و نوجوان (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)

مصطفی صدیقی\* عاطفه جمالی\*\* زهرا کهن سلوکلویی\*\*\*

دانشگاه هرمزگان

چکیده

بررسی نظریه‌ها و نقدهای منتشرشده در نشریات نظری و تخصصی ادبیات کودک، می‌تواند در روشن شدن مسیر حرکت این شاخه از ادبیات و تبیین قوت‌ها و ضعف‌های جریان نقد و نظریه‌پردازی آن نقشی مهم داشته باشد. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند تا با بررسی مقاله‌های تألیفی و ترجمه و نقدهای شعر و داستان منتشرشده در ماهنامه‌ی کتاب ماه کودک و نوجوان، در بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، به نمایی کلی از وضعیت نظریه و نقد عملی ادبیات کودک، در آن سال‌ها دست یابند. براساس یافته‌ها، بازنویسی و بازآفرینی و ادبیات عامیانه بیشترین موضوعات مطرح شده در مقاله‌های تألیفی است که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی جایگاه و تأثیر ویژه‌ی ادبیات شفاهی و ادبیات کلاسیک در ادبیات کودک و نوجوان ایران باشد. بازاری سرایی و ادبیات کودکانه‌نما، نقد صاحب اثر به جای نقد اثر و گاه لحن تند منتقد از نکات شایان توجه در جریان نقد شعر کودک هستند. در مجموع، پربسامدترین رویکرد در بررسی شعر و داستان کودک و نوجوان، رویکردهای گوناگون نقد سنتی بوده است. نقد ساختاری، جامعه‌شناختی، کهن‌الگویی و... از رویکردهای جدید نقد در بررسی داستان‌ها هستند. جریان داستان‌نویسی و نقد آن در این دوره در حال گذار از قالب‌ها و سبک‌های سنتی و شناخته‌شده‌ی پیشین به سبک‌ها و قالب‌های جدیدتر است. قالب طنز در این دوره کمتر در کانون توجه منتقدان و نویسندگان بوده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک، جریان‌شناسی، کتاب ماه کودک و نوجوان، نظریه‌ی ادبی، نقد ادبی.

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی navisa\_man@yahoo.com

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی at\_lit\_jamali@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی hasty19z@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۴/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۲

## ۱. مقدمه

امروزه با پذیرش دوران کودکی و مفهوم کودکی، به کودک، به‌عنوان موجودی مستقل و متفاوت از بزرگسال و دارای ویژگی‌ها، علائق، توانایی‌ها و شرایط خاص خود نگریسته می‌شود؛ از این رو، کودک به ادبیات ویژه‌ی خود نیازمند است. در واقع «وجه تمایز ادبیات کودک با دیگر شعبه‌های ادبیات، وجود کودک به‌عنوان مخاطب است؛ به عبارت دیگر درک و ذائقه‌ی کودک است که آثار ویژه‌ی این گروه را از دیگر آثار ادبی جدا می‌کند» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۵)؛ از این روی شاید بتوان ذوق زیبایی‌شناسی در کودکان را با ذوق زیبایی‌شناسی بزرگسالان متفاوت دانست. این موضوع سبب می‌شود نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک از اصول و قواعدی خاص پیروی کند. «ادبیات کودکان این ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه را در دنیای کودکان جست‌وجو و بازآفرینی می‌کند. همین تفاوت باعث می‌شود که دو عرصه‌ی زیبایی‌شناسی، یکی در دنیای کودکان و دیگری در دنیای بزرگسالان، از یکدیگر تفکیک شود» (پولادی، ۱۳۸۷: ۳۰).

در حوزه‌ی نظریه نیز همان‌طور که هانت<sup>۱</sup> می‌نویسد یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌ها این است که «نظریه‌ی ادبیات کودک نمی‌تواند یک نظریه‌ی محض باشد. نظریه‌ی ادبیات می‌تواند به صورت انتزاعی پرداخته شود، اما ادبیات کودک عملاً کودک را دربرمی‌گیرد. فلسفه‌ی ادبیات سودای جهانی بودن دارد، درحالی‌که فلسفه‌ی ادبیات کودک مقید به عملی بودن، محلی بودن و ملموس بودن است» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۳۶).

در نقد عملی نیز هیچ نقدی بدون تکیه بر نظریه‌ای که «درون‌زا»<sup>(۱)</sup> باشد، به‌سامان نمی‌رسد؛ از این روی «اگر [منتقد] در بافت ادبیات کودکان حرکت کند، خود در این تحول [تحول ادبیات کودکان] سهیم است و جزئی از مقوله‌ی آفرینندگی ادبیات یک کشور خواهد بود» (سهراب، ۱۳۷۲: ۶۶).

برای دستیابی به روند شکل‌گیری و رشد نظریه‌ها و جریان‌های نقد ادبیات کودک می‌توان به جست‌وجوی تاریخی در این حوزه پرداخت و آثار نظریه‌پردازان و منتقدان این حوزه را بررسی و مطالعه کرد. نقدهای ماهنامه‌ی کتاب ماه کودک و نوجوان، به بررسی آثاری پرداخته که به تازگی منتشر شده‌اند؛ از این رو این نقدها را می‌توان بازتابی از ویژگی‌های ادبیات خلاقه‌ی کودک در آن دوره دانست.

اطلاعات نوشتار حاضر از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش پژوهش نیز توصیفی و تحلیل محتواست؛ به این صورت که با بررسی مقاله‌ها و نقدهای کتاب ماه کودک و نوجوان از آغاز تا سال ۱۳۸۰، شاخصه‌های نظریه‌ها و نقدهای عملی ادبیات کودک گردآوری و با توجه به کتاب‌ها و مطالب مرتبط با این حوزه، تحلیل و بررسی شده است.

تاکنون آثار نظری و نقدهای عملی بسیاری در قلمرو ادبیات کودک به چاپ رسیده است؛ اما نگارندگان پژوهش حاضر، برای رعایت اختصار، از بردن نام بسیاری از این آثار چشم‌پوشی کرده و تنها به عنوان مثال، به چند نمونه‌ی شاخص اشاره کرده‌اند. از این میان می‌توان به *دیگرخوانی‌های ناگزیر* (۱۳۸۷)، *معصومیت و تجربه* (۱۳۸۲)، *از این باغ شرقی* (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبیات کودکان ایران* (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان* (۱۳۷۸ ب)، *زیبایی‌شناسی ادبیات کودک* (۱۳۸۹)، *کتاب کودک کتاب با واسطه؛ مقدمه‌ای بر مخاطب‌شناسی* (۱۳۹۱)، *عبور از مخاطب‌شناسی سنتی* (۱۳۸۵)، *مقدمه بر ادبیات کودک؛ بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی* (۱۳۸۵)، *بنیادهای ادبیات کودک* (۱۳۸۷)، *مبانی ادبیات کودک و نوجوان؛ ویژه‌ی ادبیات دینی* (۱۳۸۶)، *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان و معیارهای نقد و بررسی کتاب* (۱۳۷۵)، «*بررسی خواننده‌ی نهفته در داستان‌های احمد اکبریور (بر پایه‌ی نظریه‌ی ایدن چمبرز)*» (۱۳۸۹)، «*فرآیند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان*» (۱۳۷۵)، «*کودکانه‌نمایی و نوآوری*» (۱۳۷۵ ب)، «*چهار محور سازنده‌ی متن ادبی کودکان*» (۱۳۷۸ الف)، «*مخاطبان گمشده*» (۱۳۷۸)، «*تارنمای برهم‌کنشانه‌ی متن و تصویر با بررسی تطبیقی کتاب‌های برتر داستانی تصویری ایرانی و غیرایرانی (بر پایه‌ی نظریه‌ی ماریا نیکولایووا و کارول اسکات)*» (۱۳۹۳) و... اشاره کرد.

در زمینه‌ی موضوع پژوهش حاضر، تاکنون پژوهشی مستقل به چاپ نرسیده است؛ اگرچه در پژوهش‌های گوناگون، به مباحثی نزدیک به موضوع این نوشتار پرداخته شده است؛ برای نمونه، خسرونژاد (۱۳۸۷) در مقدمه‌ی *دیگرخوانی‌های ناگزیر* از موقعیت و ویژگی‌های نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک در ایران، تحلیلی جامع ارائه می‌دهد. او با تحلیل کیفی و بررسی تأثیر آثار مهم و نقدهایی که هرکدام نقطه‌عطفی در جریان نقد ادبیات کودک به شمار می‌آیند، وضعیت و جایگاه کنونی ادبیات کودک ایران، ضعف‌ها و راه‌های شکوفایی هرچه بیشتر آن را تبیین کرده است.

نگارندگان در پژوهش حاضر تنها بر یک نشریه و دوره‌ای محدود تمرکز و سعی کرده‌اند تا با بررسی کیفی هریک از مقاله‌ها و نقدها و ارائه‌ی آمار و تحلیل آن‌ها، وضعیت نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک را در سال‌های بررسی‌شده در کتاب ماه کودک و نوجوان به تصویر بکشند. همچنین حجوانی (۱۳۸۹ الف) در پژوهش مفصل «بررسی تحلیلی سیر نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران؛ با نگاهی آسیب‌شناسانه به قالب‌های نقد»، دو جریان غالب نقد را از دوران مشروطه تاکنون نشان می‌دهد و بر آن است که معرفی کتاب در سطح کلان در نشریه‌ها و فضاها‌ی مجازی در فراگیری و نهادینه‌شدن جریان نقد، اثری بسزا خواهد داشت. رضوی و مسنن فارسی (۱۳۸۹) نیز به بررسی شیوه‌های استناد در پژوهشنامه و کتاب ماه کودک و نوجوان و مقایسه‌ی آن‌ها با هم پرداخته است. جامعیت این پژوهش و سعی در تکراری نبودن مباحث حاضر، نگارندگان را از پرداختن به این موضوع بی‌نیاز کرد؛ بنابراین در نوشتار حاضر، از این زاویه، به نمونه‌های بررسی‌شده نگریسته نشده است.

## ۲. مقاله‌های تألیفی

تعداد ۳۲ مقاله‌ی تألیفی در ۴۴ شماره‌ی اول کتاب ماه کودک و نوجوان بررسی شد. در دو سال آغازین انتشار ماهنامه، تنها چهار مقاله‌ی تألیفی به چاپ رسیده است. پس از آن نیز، انتشار مقاله‌ها ترتیبی خاص نداشته و گاهی در چند شماره‌ی پی‌درپی، مقاله‌ی تألیفی چاپ نشده است. از مقاله‌ی ششم تا پانزدهم نیز، به‌جز نهمین و چهاردهمین مقاله، به مجموعه مقاله‌های آشنایی با نویسندگان کودک و نوجوان اختصاص دارد. از این میان، هفت مقاله به نویسندگان و چهار مقاله به شاعران تعلق دارد و عموماً شامل خلاصه‌ای از زندگی‌نامه، فعالیت‌ها و ویژگی‌های برجسته‌ی آن‌ها می‌شود. بیشتر این مقاله‌ها، بسیار کلی، به نقد عملی آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. همین مسئله وجه تمایز نقدهای عملی با نقدهایی است که در بخش نقد داستان‌ها و شعرها منتشر شده است. همچنین در تعدادی از این مقاله‌ها، بحث‌هایی نظری پیرامون حوزه‌های بررسی‌شده دیده می‌شود.

شاید با نگاهی مقایسه‌ای به تعداد مقالات و نقدهای منتشرشده، بتوان گفت که پژوهشگران در زمینه‌ی مسائل نظری و نظریه‌پردازی به نسبت حوزه‌های دیگر، مانند آفرینش ادبی و نقد، کمتر تلاش کرده یا دیرتر به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند.

توجه به شخصیت‌های آفرینشگر، به‌نوعی، در مسیر حرکت به‌سوی جریان نقد و نظریه قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان نمونه، در برخی مقاله‌های آشنایی با نویسندگان کودک و نوجوان، با توجه به ظرفیت آثار، بحث‌هایی نیز در زمینه‌ی نقد و نظریه‌پردازی آن‌ها مطرح شده؛ اما تعدادی دیگر از این مقاله‌ها صرفاً بررسی یا نقد ساختاری و محتوایی آثار است. این موضوع جدای از توانایی نویسنده‌ی مقاله برای نظریه‌پردازی و نقد، ظرفیت و تأثیر آثار خلاقه را برای نظریه‌پردازی و استفاده از رویکردهای گوناگون نقد نشان می‌دهد؛ زیرا فعالیت نویسندگان و شاعران ادبیات کودک به‌نوعی با آثار نظریه‌پردازان و منتقدان این حوزه در پیوند است. چنان‌که داستان‌های آلیس تأثیری چشمگیر بر جریان نقد داشت و با جلب توجه گروه‌های گوناگون جامعه‌شناس، زبان‌شناس، روان‌شناس و... موجب شکوفایی بسیاری از جریان‌های نقد در ادبیات کودکان شد (نک: شرف‌الدین نوری، ۱۳۸۰).

پس از مقاله‌های آشنایی با خالقان آثار ادبی کودک و نوجوان، بسیاری از مقاله‌ها به موضوع بازنویسی، بازآفرینی و ادبیات عامیانه اختصاص دارد که نشان‌دهنده‌ی جایگاه ویژه‌ی ادبیات عامیانه و ادبیات کلاسیک در ادبیات کودک و نوجوان است. بسیاری از آثار مثنوی و منظوم ادبیات کودک، بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های ادبیات عامیانه است. در مجموع، به‌جز تعدادی از مقاله‌های آشنایی با نویسندگان کودک و نوجوان که کوتاه و گذرا به بحث‌های نظری و نقد پرداخته‌اند، تنها چهار مقاله به‌طور ویژه و متمرکز به بحث‌های نظری و نقد ادبی اختصاص دارد.

موضوع شایان توجه دیگر، ساختار غیرروشمند این مقاله‌هاست. به‌تدریج تعداد مقاله‌ها و حجم آن‌ها در هر شماره افزایش یافته و موضوعات تنوع بیشتری یافته‌اند. همچنین آثار ترجمه‌ای و نویسندگان خارجی نیز به موضوعات بررسی شده اضافه شده‌اند. این تغییرات را می‌توان نشان‌دهنده‌ی روند روبه‌رشد مقاله‌ها و افزایش توجه به جنبه‌ها و موضوعات گوناگون ادبیات کودک و نوجوان ایران دانست.

جدول شماره ۱: موضوع مقاله‌های تألیفی و فراوانی آن‌ها

ردیف	موضوعات بررسی شده	تعداد مقاله
۱	آشنایی با نویسندگان کودک و نوجوان	۱۱
۲	بازنویسی و بازآفرینی ادبیات کلاسیک و ادبیات عامه	۵

۳	آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات مربوط به کتاب کودک	۴
۴	ادبیات دینی	۲
۵	مقاله‌های مناسبی	۲
۶	درباره‌ی نشریات کودک و نوجوان	۲
۷	ماهیت ادبیات کودک	۱
۸	نقد در ادبیات کودک	۱
۹	ادبیات کودک در میان ایرانیان خارج از کشور	۱
۱۰	معلولیت در ادبیات کودک	۱
۱۱	درباره‌ی شعر کودک	۱
۱۲	ادبیات کودک کردها	۱

### ۳. مقاله‌های ترجمه‌شده

تعداد ۲۳ مقاله‌ی ترجمه در ۴۴ شماره‌ی اول چاپ شده است که دوازده مقاله به بررسی وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون اختصاص دارد. این مقاله‌ها، بیشتر نوشته‌هایی توصیفی هستند و عموماً به معرفی و بیان تاریخچه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، معرفی نویسندگان و پیشگامان آن، وضعیت ادبیات فولکلور و افسانه‌ها و اسطوره‌ها و تأثیر آن‌ها بر ادبیات کودک و نوجوان در آن کشورها پرداخته‌اند.

در کنار این نمونه‌ها، پنج مقاله نوشته‌هایی تحلیلی هستند و درباره‌ی موضوعات گوناگون نقد و نظریه‌های ادبیات کودک مباحثی را مطرح کرده‌اند. از میان آن‌ها، یک ترجمه به ژانر فرافانتزی و تعریف و بیان ویژگی‌های این گونه اختصاص دارد. مقاله‌ی «زبان نقد در ادبیات کودکان» (کارین لس‌نیک، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸) نیز که در دو بخش جداگانه به چاپ رسیده، آراء گوناگون منتقدان درباره‌ی فرایند خواندن در کودکان و نقد در ادبیات کودک را بررسی کرده است. دو مقاله‌ی آخر نیز، «کارکرد زبان در ادبیات کودک ۲ و ۱» (ناولز و مامجر، ۱۳۸۰ الف و ب)، به بررسی تأثیر تحلیل‌های زبان‌شناختی در گستره‌ی ادبیات کودک اختصاص دارند. موضوع مقاله‌های ترجمه‌ای و تعداد مقالات مرتبط با هر موضوع در جدول شماره‌ی ۲ آمده است. نگاهی گذرا به این جدول، پراکندگی موضوعی مقاله‌ها را نشان می‌دهد. گفتنی دیگر اینکه از میان این ۲۳ مقاله،

دوازده مقاله ترجمه‌ی شقایق قندهاری است و هفت مترجم دیگر، بقیه‌ی مقاله‌ها را ترجمه کرده‌اند.

با توجه به رشد و گسترش ادبیات کودک، نیاز به ترجمه‌ی آثار نظری و خلاقه‌ی آن‌ها نیز هر چه بیشتر احساس می‌شود. علاوه‌براین، حضور چنین ترجمه‌هایی می‌تواند در شکل‌گیری فضای گفت‌وگو در زمینه‌ی نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک مؤثر باشد و بنا بر نظر خسرونژاد، از تک‌صدایی شدن فضای حاکم بر ادبیات کودک و نوجوان جلوگیری کند. «به گمان من حضور دیگران، به معنای همتایان ما در قلمرو ملی، از بن‌بست گفت‌وگوها، راهی به بیرون نمی‌گشاید... اما دیگران، به معنای منتقدان و صاحب‌نظران ادبیات کودک جهان، اگر به این گفت‌وگو راه یابند، دریچه‌هایی تازه از آگاهی، از بدنه‌ی دانش تازه‌زاد نظریه‌ی ادبیات کودک، به روی همه‌ی ما گشوده خواهد شد. از این جایی که ایستاده‌ایم فراتر خواهیم رفت. افق‌هایی دورتر و تازه‌تر را خواهیم دید، از «خود» به در خواهیم آمد» (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۵۸).

پس از شماره‌ی هفده که اولین مقاله‌ی ترجمه‌ای در آن منتشر شده، کمابیش در همه‌ی شماره‌ها، یک و گاهی دو مقاله‌ی ترجمه‌شده نیز به چاپ رسیده است. این مسئله به همراه افزایش تنوع موضوعی مقاله‌ها و همچنین افزایش تعداد مترجمان مجله، می‌تواند دلیلی بر روند روبه‌رشد وضعیت ترجمه در این نشریه باشد.

نکته‌ی مهم دیگر، ساختار و حجم مقاله‌هاست؛ این مقاله‌ها نیز مانند مقاله‌های تألیفی ساختاری مشخص و یکسان ندارند و حجم آن‌ها از یکی دو صفحه تا صفحات بیشتر در تغییر است. علاوه‌براین، غالباً منبع مقاله‌ها دقیق و مشخص بیان نشده و هیچ‌گونه توضیحی درباره‌ی اینکه متن اصلی در چه سالی و کجا به چاپ رسیده، دیده نمی‌شود؛ درحالی‌که ذکر کامل و دقیق کتابشناسی منابع ضروری است.

توجه به عناوین و بررسی مقاله‌هایی که به موضوع ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای جهان سوم که مدرنیته و ظواهرش به تازگی در آن‌ها راه یافته است، هنوز سنت‌ها جایگاه خاص خود را از دست نداده‌اند و ادبیات شفاهی بخش اصلی ادبیات کودک و نوجوان آن‌ها را تشکیل می‌دهد. بیشترین حجم ادبیات کودک این کشورها، به بازآفرینی و بازنویسی داستان‌ها و حکایت‌های مربوط به ادبیات شفاهی آن‌ها اختصاص یافته؛ درحالی‌که حجم بالایی از ادبیات کودک و نوجوان کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس و فرانسه که

در این حوزه پیشرو و پیشگام بوده‌اند، به موضوعات و داستان‌های تخیلی و جادویی اختصاص دارد. افزون‌براین، می‌توان آشنایی با ادبیات کودک و نوجوان غرب و تأثیرپذیری از آن را نقطه‌ی مشترک در ادبیات کودک همه‌ی این کشورها خواند.

#### جدول شماره‌ی ۲: موضوع مقاله‌های ترجمه‌ای و بسامد آن‌ها

ردیف	موضوع مقاله	تعداد مقاله
۱	وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون	۱۲
۲	نقد در ادبیات کودک	۲
۳	تأثیر تحلیل‌های زبان‌شناختی در ادبیات کودک	۲
۴	فرافانتزی	۱
۵	بررسی نقش‌های جنسیتی در ادبیات کودک کشورهای گوناگون	۱
۶	بررسی تصویر والدین در ادبیات کودک کشورهای گوناگون	۱
۷	وضعیت نشر کتاب‌های کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون	۱
۸	مقاله‌های مناسبتی / معرفی نویسندگان کودک و نوجوان	۱
۹	نقد عملی	۱
۱۰	بررسی و مقایسه‌ی جایگاه کتاب و دیگر ابزارهای ارتباطی در پرورش تخیل کودک	۱

#### ۴. نقد کتاب‌های شعر

در ۴۲ شماره‌ی اول مجله، ۴۴ مقاله‌ی نقد شعر دیده می‌شود. مباحثی مانند سفارشی‌نویسی و بازاری‌سرایي، گزیده‌نویسی‌هایی که توجهی به نیازها و علائق مخاطب خود ندارند، شعرهایی که تقلیدی ضعیف از حکایت‌ها و مثل‌های عامیانه هستند، درک زیبایی‌شناسانه‌ی کودکان از آثار مربوط به خود و... از پرتکرارترین موضوعات این نقدها هستند.

#### ۴-۱. انواع رویکردهای نقد

شش مقاله، به معرفی آثار یک شاعر و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. شش نقد دیگر، به جای نقد متن، چگونگی گردآوری یا تدوین آثار را بررسی کرده‌اند. نقدهای زیبایی‌شناسانه، ذوقی<sup>(۲)</sup>، محتوایی اخلاقی، ژورنالیستی و تطبیقی از دیگر رویکردهای هستند که در این



نوشته‌ها به کار گرفته شده‌اند. بسامد این رویکردها در نقد شعر، در نمودار شماره‌ی یک آمده است.

بیشتر نقدها (۲۶ مقاله: ۵۹٪) رویکردی سنتی دارند. «رایج‌ترین و مرسوم‌ترین شیوه‌ی نقد در این حوزه، تا به امروز، نقد سنتی یا صوری بوده است. ... در حوزه‌ی نقد ادبیات کودکان، تا به امروز، نقد سنتی بیشترین نفوذ را داشته است» (محمدی، ۱۳۷۸ ب: ۲۴ و ۲۵).

همچنین با قرارگرفتن رویکرد تعلیمی و آموزش‌محور در زیرمجموعه‌ی نقد محتوایی، حجم نقدهایی که رویکردی محتوایی دارند افزایش می‌یابد. نکته‌ی دیگر آنکه، در اغلب نقدها، منتقدان با رویکردی روشن و مشخص به بررسی اثر نمی‌پردازند؛ بلکه غالباً از چند رویکرد گوناگون بهره می‌گیرند؛ از این رو برای بررسی و تعیین آماری از رویکردهای استفاده‌شده در مقاله‌ها، رویکرد غالب هر نقد در نظر گرفته شده است.

#### ۴-۲. ادبیات عامیانه

تعدادی از نقد شعرها (سیزده نقد: ۲۹٪)، به بررسی آثاری پرداخته‌اند که به‌نوعی از ادبیات عامه اثر پذیرفته‌اند. با توجه به این نقدها، بیشترین تأثیری که ادبیات عامیانه بر شعر کودک و نوجوان گذاشته، در ساختار و شکل هجایی و ترانه‌ای اشعار و استفاده از کلمات شکسته و محاوره‌ای بوده است؛ اما نکته‌ی شایان توجه این است که اغلب این شعرها، به آثاری بازاری و سفارشی تبدیل شده‌اند. به‌طوری‌که جریان کتاب‌سازی، سفارشی‌نویسی و بازاری‌سرابی به یکی از جریان‌های فعال در شعر کودک و نوجوان بدل شده است. عمده‌ترین اشکال‌ها و ضعف‌هایی که منتقدان در نقدهایشان به آن اشاره کرده‌اند، عبارتند از: مشخص نبودن قالب اثر، فقدان شعریت و منظوم‌بودن صرف شعرها (نظم‌هایی که نتوانسته‌اند به‌خوبی از پس روایت قصه‌ی شعر برآیند)، ایرادهای زبانی به دلیل استفاده از واژه‌های وزن‌پُرکن (قافیه‌سازی، یکدست‌نبودن زبان اثر و...)، توجه‌نداشتن به قدرت فهم و دایره‌ی لغات مخاطب و موضوع و زاویه‌ی دید تکراری.

#### ۴-۳. آثار کودکانه‌نما

آثار کودکانه‌نما را بعضی در بخش آسیب‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان طرح و بررسی می‌کنند. برخی آثار موجود در حیطه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان را که در نگاه

نخست، کودکانه می‌نمایند، اما در واقع به دلیل رعایت نکردن ویژگی‌های یک کار کودکانه، با مخاطبان کودک یا نوجوان ارتباطی موفق ندارند، ادبیات کودکانه‌نما می‌نامند (نک: حجوانی، ۱۳۷۵ الف: ۲).

در مجموع، سه مقاله به نقد شعرهای کودکانه‌نما اختصاص دارد. این آثار شعرهایی روایی هستند که متأثر از ادبیات عامیانه سروده شده‌اند. بر اساس نکات مطرح شده در نقدها، شناخت اندک از مخاطب کودک و نوجوان و در نظر نگرفتن نیازها، ویژگی‌ها و خواسته‌های آن‌ها، چه از نظر ویژگی‌های ظاهری و چه از نظر محتوا و مضمون اثر، مهم‌ترین عامل موفق نبودن این دسته از آثار است؛ در واقع توجه کردن به کودکان و نوجوانان و ویژگی‌ها و خصوصیاتشان به عنوان مخاطبان اثر، مهم‌ترین عامل تمایز آثار کودکانه از آثار کودکانه‌نماست.

همچنین باید گفت هیچ‌یک از مقاله‌های تألیفی، به صورت خاص و جداگانه، چستی و جایگاه ادبیات کودکانه‌نما را بررسی نکرده‌اند. تنها در یک مقاله به نام سلمان هراتی، به عنوان شاعری که بیش از آنچه برای کودکان شعر سروده باشد، درباره‌ی کودکان شعر سروده، اشاره شده است (نک: مهدی‌پور عمرانی، ۱۳۷۹ ب).

#### ۴-۴. تصویرگری

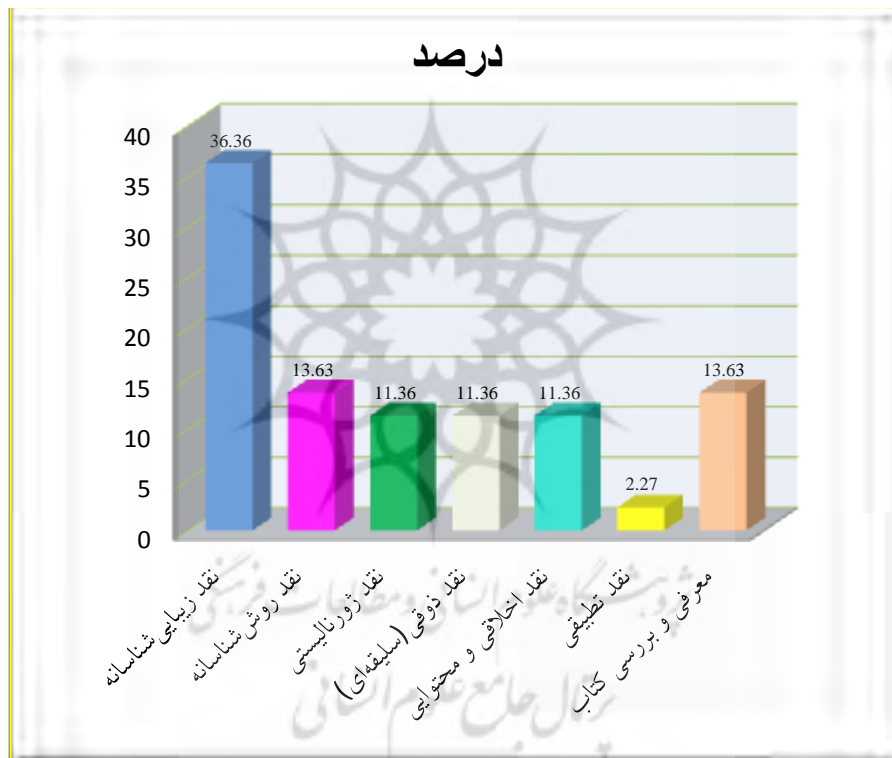
تصویرگری آثار نیز در پانزده مقاله در کانون توجه منتقدان قرار گرفته است. یکی از ویژگی‌های آثار کودکانه‌نما و بازاری، کیفیت پایین تصویرگری آن‌هاست. در اغلب این آثار از تصاویر تجاری، بازاری و غیرهنری استفاده شده است. نکته‌ی شایسته‌ی توجه که به نوعی آسیب‌شناسی جریان نقد تصویرگری‌ها به شمار می‌آید، آن است که اغلب منتقدان با عبارتهای کوتاه، احساسی و ذوقی اظهار نظر کرده‌اند.

#### ۴-۵. گزیده‌نویسی و گردآوری

در میان نقدها، شش اثر موضوع گردآوری اشعار مذهبی و غیرمذهبی و گزیده‌نویسی از نظم‌های قدیم و معاصر را بررسی کرده‌اند. مشکل همه‌ی این آثار، روش آن‌ها در نقد این متون است؛ مثلاً اینکه تعریفی از شعر مذهبی در کتاب *نان و پروانه* ارائه نشده یا دلایل گزینش غزل‌های منتخب حافظ در کتاب *بلبل باغ جهان؛ حافظ* مشخص نشده است. این آثار اغلب مهم‌ترین ویژگی یک اثر تحقیقی را ندارند؛ یعنی روشمند نیستند.

به‌طور کلی تعریف سطحی مفاهیم و مشخص نکردن معیار گزینش‌ها، نداشتن فهرست منابع و مآخذ و... از مهم‌ترین مشکلات این مجموعه‌هاست. نکات ارائه شده در نقدها نشان می‌دهد سهل‌انگاری‌های فراوان در تهیه‌ی این آثار صورت گرفته؛ گویی افراد به‌راحتی، با کنار هم قراردادن تعدادی شعر یا با گزینش برخی اشعار یک شاعر، بی‌توجه به مراحل گوناگون یک کار مهم و تحقیقی و همچنین نیازهای مخاطب، کتاب‌سازی کرده است.

نمودار شماره‌ی ۱: بسامد رویکردهای استفاده‌شده در نقد شعرها



## ۵. نقد کتاب‌های داستان

### ۵-۱. انواع رویکردهای نقد

از ۱۱۰ نقد داستان منتشرشده در ۴۲ شماره‌ی اول مجله، دوازده نقد فقط به معرفی و بررسی آثار پرداخته‌اند و از رویکرد و روش خاصی از نقد بهره نبرده‌اند. دو داستان براساس شاخصه‌های پست‌مدرنیستی، یک اثر با توجه به ویژگی‌های مدرنیستی و یک

داستان نیز براساس ویژگی‌های مکتب‌های ادبی بررسی شده است. نقد ذوقی، محتوایی، زیبایی‌شناسی، اخلاقی، زندگی‌نامه‌ای، تطبیقی، جامعه‌شناختی، ژورنالیستی، کهن‌الگویی و تخیل‌شناختی هم در این نقدها دیده می‌شود. بسامد رویکردهای گوناگون در نمودار شماره‌ی ۲ آمده است.

در اغلب نقدها، منتقد تنها به یک رویکرد خاص نزدیک شده است؛ به بیان دیگر، از ابتدا روش و معیاری مشخص و روشن را برای بررسی داستان انتخاب نکرده تا بتواند در سراسر مقاله، براساس آن رویکرد و معیارهایش به نقد و تحلیل اثر بپردازد. بیشتر مقاله‌ها بنابر سلیقه، اطلاعات و نوع نگاه منتقد پیش رفته‌اند؛ بنابراین غالباً در بررسی یک داستان، آمیزه و تلفیقی از چند روش یا رویکرد به کار رفته است.

#### ۵-۲. جریان‌شناسی نقدها

برای شناخت جریان نقدنویسی، ۴۲ شماره‌ی بررسی شده به هفت دوره‌ی شش‌ماهه تقسیم شد. در سه دوره‌ی اول، به‌طور متوسط پانزده نقد و در چهار دوره‌ی آخر، به جز دوره‌ی ششم که تنها ده نقد دارد، به‌طور متوسط، بیست نقد منتشر شده است. اغلب نقدهای دوره‌ی اول (آبان ۱۳۷۶ تا فروردین ۱۳۷۷)، صرفاً به بررسی و معرفی مختصر آثار پرداخته‌اند. تنها رویکردهایی که در نقدهای این دوره دیده می‌شود، نقد اخلاقی، زیبایی‌شناسانه (سنتی) و محتوایی است. مقاله‌ی حافظی (۱۳۷۶) نیز به نقد ساختاری نزدیک شده است.

در دوره‌ی دوم (اردیبهشت ۱۳۷۷ تا مهر ۱۳۷۷)، تنها رویکرد تازه، نقد تطبیقی ناهید (۱۳۷۷) است. نوع و شیوه‌ی نقدها در دوره‌ی سوم (آبان ۱۳۷۷ تا فروردین ۱۳۷۸)، روندی روبه‌رشد ندارد و در قالب‌ها و رویکردهای پیشین ادامه می‌یابد. در دوره‌ی چهارم (اردیبهشت ۱۳۷۸ تا مهر ۱۳۷۸) که حدود دو سال از انتشار ماهنامه می‌گذرد، نقد اجتماعی و کهن‌الگویی نیز به رویکردهای پیشین اضافه می‌شود. تلفیقی از نقدهای اجتماعی و زیبایی‌شناسانه در مقاله‌ی سیدآبادی (۱۳۷۸) و کاربست رویکرد کهن‌الگویی در مقاله‌ی کائدی (۱۳۷۸ ب) دیده می‌شود. می‌توان نقد کهن‌الگویی کائدی را عطفی در نقدهای تازه‌ی این ماهنامه و آغازی برای نقدهای روشمند و علمی آن به شمار آورد. به جز این دو نقد، مقاله‌های دیگر از معیارها و رویکردهای پیشین بهره برده‌اند.

جریان روبه‌رشد دوره‌ی چهارم، در دوره‌ی پنجم (آبان ۱۳۷۸ تا فروردین ۱۳۷۹) نیز ادامه می‌یابد و نقد کهن‌الگویی دامپار (۱۳۷۸) در شماره‌ی ۲۷ به چاپ می‌رسد؛ علاوه‌براین، نقد کائدی (۱۳۷۸ الف) که تلفیقی از نقدهای ساختاری، تربیتی و زیبایی‌شناسانه است، در شمار نقدهای درخور توجه این نشریه قرار می‌گیرد. همچنین، اولین مقاله با رویکرد زندگی‌نامه‌ای نیز در این دوره منتشر می‌شود (نک: علومی، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۸).

نقدهای دوره‌ی ششم (اردیبهشت ۱۳۷۹ تا مهر ۱۳۷۹) از نظر کمیت چشمگیر نیستند؛ اما کیفیتی خوب دارند. ناهید (۱۳۷۹) با رویکردی جامعه‌شناختی و کائدی (۱۳۷۹ الف) با رویکردی تخیل‌شناختی به نقد اثر پرداخته‌اند. کائدی (۱۳۷۹ ب) همچنین در مقاله‌ای دیگر از این دوره، شاخصه‌های داستانی پست‌مدرنیستی را تحلیل و بررسی کرده است. امجدیان (۱۳۷۹) نیز در مقاله‌ی خود، ویژگی‌های یک داستان مدرنیستی را در کانون توجه قرار داده است. حضور منتقدان نوگرا و انتخاب آثاری که از شکل‌های جاافتاده و شناخته‌شده‌ی داستان‌نویسی فاصله گرفته‌اند و این ظرفیت را دارند که با رویکردهای جدید بررسی و نقد شوند، نشان‌دهنده‌ی روند آرام، اما پیش‌رونده‌ی جریان نقد ادبیات کودکان است.

یکی دیگر از نقدهای شاخص و شایسته‌ی درنگ، در دوره‌ی هفتم (آبان ۱۳۷۹ تا فروردین ۱۳۸۰) چاپ شده است. نعیمی (۱۳۷۹ الف)، از منتقدان موفق ادبیات کودکان، شاخصه‌ها و ویژگی‌های داستانی پست‌مدرنیستی را بررسی کرده است. این امر بیانگر امتداد جریان روبه‌رشد نقد ادبیات کودکان است. از دیگر نقدهای تازه و متمایز این دوره می‌توان به دو مقاله اشاره کرد که یکی با رویکرد نقد تطبیقی (مهدی‌پورعمرانی، ۱۳۷۹ الف) و دیگری با رویکرد جامعه‌شناختی (نعیمی، ۱۳۷۹ ب) آثار را بررسی کرده‌اند. بقیه‌ی نقدهای این دوره در محدوده‌ی نقدهای سستی پیشین تکرار شده‌اند.

### ۵-۳. فانتزی

تعریف فانتزی به دلیل کاربرد گسترده‌ی آن، دشوار می‌نماید؛ اما در مجموع می‌توان فانتزی را گونه‌ای ادبی خواند که در آن جادو و عوامل فراواقعی به‌عنوان عنصر اصلی استفاده می‌شود. «فانتزی دگرذیسی / دگرگونی نمادین واقعیت از منظر چشم یک

زیباشناس است که ابعاد جدید و نامنتظری از واقعیت را بیان می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۸ ج: ۱۲۳).

فانتزی در عصر طلایی ادبیات کودک، با آثار نویسندگانی چون کارول و اندرسون، جایگاهی ویژه یافت؛ اما این گونه‌ی ادبی در ایران، پس از انقلاب و با بیشتر شدن ترجمه‌ی ادبیات فانتزی و علمی تخیلی برای کودکان آغاز شد (نک: ورزی، ۱۳۹۰: ۱۲). پس از پایان جنگ به تدریج توجه به ژانر فانتزی افزایش یافت، تا اینکه در دهه‌ی هفتاد نویسندگانی مانند احمد رضا احمدی و محمد محمدی به رشد این گونه‌ی ادبی کمک کردند (نک: قزل‌ایاغ، ۱۳۸۳: ۱۱۸ و ۱۱۹).

در میان ۱۱۰ نقد داستان، تنها چهار مقاله به بررسی آثار فانتزی اختصاص یافته است و این موضوع می‌تواند تأییدی بر نظرات قزل‌ایاغ باشد که دهه‌ی هفتاد را شروع جریان فانتزی در ادبیات کودکان می‌داند. نکته‌ی مهم اینکه در نقد این آثار، رشد و پیشرفت آشکارا مشاهده می‌شود. افزون‌براین، به تدریج، با رشد آثار فانتزی، آشنایی منتقدان با این گونه‌ی ادبی نیز بیشتر شده است. در اولین نقد، منتقد (کائدی، ۱۳۷۸ الف) به ژانر فانتزی داستان و عناصر سازنده‌اش هیچ اشاره‌ای نکرده و تنها خلاصه‌ی داستان، شخصیت‌ها، زبان، نمادهای اثر و مانند این‌ها را واکاوی کرده است. در نقد دوم، منتقد (کائدی، ۱۳۷۸ ب) تنها داستان را نوعی فانتزی می‌خواند و سپس آن را براساس الگوی ریخت‌شناسی قصه‌های پریان پراپ<sup>۱</sup> بررسی می‌کند؛ اما در نقد سوم، منتقد (کائدی، ۱۳۷۹ الف) گامی به پیش برداشته و مقاله را با تعریف و مقدمه‌ای از فانتزی آغاز می‌کند. همچنین سعی می‌کند با دلایل علمی نشان دهد که این داستان در زیرمجموعه‌ی کدام نوع فانتزی قرار می‌گیرد؛ علاوه‌براین، منتقد در این مقاله، برخلاف نقدهای پیشین، به منبعی که در نقد داستان از آن بهره برده است، اشاره و استناد می‌کند. با درنگ بر این مقالات می‌توان دریافت، با رشد آثار فانتزی، آشنایی منتقدان با این گونه‌ی ادبی نیز، بیشتر شده و این آشنایی، پیشرفت نقدها را هم به دنبال داشته است. توجه منتقدان به آثار فانتزی همزمان با رشد این گونه آثار، از همراهی و همگامی جریان نقد با جریان آفرینش ادبی حکایت می‌کند.

<sup>۱</sup>. Propp

#### ۴-۵. ادبیات کودک و تأثیر داستان‌های مدرنیستی و پست‌مدرنیستی بر آن

پس از دهه‌ی ۱۹۶۰، نوعی جدید از داستان‌نویسی با عنوان رمان پست‌مدرنیستی شکل گرفت. رمان‌نویسان پست‌مدرن می‌کوشند نابسامانی‌ها و فقدان نظم و انسجام در واقعیت را در آثارشان بازنمایانند. لحن بی‌طرف راوی، نبود قطعیت، تناقض، جابه‌جایی، نداشتن انسجام، نبود قاعده، زیاده‌روی، اتصال کوتاه و... از ویژگی‌های داستان پست‌مدرنیستی است (نک: لاج و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۸۶).

در میان ۱۱۰ نقد داستان، تنها سه نقد به ویژگی‌های داستان‌های مدرنیستی و پست‌مدرنیستی توجه کرده‌اند. تعداد محدود چنین آثاری را می‌توان نشان‌دهنده‌ی تأثیر اندک جریان مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بر ادبیات کودک این دوره دانست. قطار آن شب داستانی پست‌مدرنیستی است که دو نقد بر آن نوشته شده است. یکی از منتقدان (کائدی، ۱۳۷۹ب)، بدون نام‌بردن از ژانر پست‌مدرنیستی داستان، برخی ویژگی‌های پست‌مدرنیستی آن را بیان می‌کند؛ اما منتقد دیگر (نعیمی، ۱۳۷۹الف)، از ابتدا ژانر اثر را مشخص کرده و با ارائه‌ی نمونه، ویژگی‌های آن را نشان می‌دهد؛ البته هیچ‌یک از منتقدان در نوشته‌ی خود به منبع یا منابعی ارجاع نداده و استناد نکرده‌اند. این موضوع، تا اندازه‌ای از اعتبار علمی نقد می‌کاهد.

#### ۵-۵. مخاطب‌شناسی

منظور از مخاطب‌شناسی در ادبیات کودک و نوجوان «امکان پیش‌بینی واکنش‌های مخاطب نسبت به متن» (سیدآبادی، ۱۳۸۵: ۲۱) است؛ بنابراین، هرچه شناخت نویسنده یا منتقد از مخاطبان بیشتر باشد، امکان پیش‌بینی این واکنش‌ها نیز افزایش می‌یابد. توجه به توانش زبانی مخاطب در کنار دیگر عوامل مؤثر در دستیابی او به معنا، از راه‌هایی است که می‌تواند امکان پیش‌بینی واکنش مخاطبان را تا حدی فراهم آورد. «در سال‌های گذشته که رویکرد آموزشی تربیتی، رویکرد غالب ادبیات کودک و نوجوان بود، هرگاه از مخاطب‌شناسی بحث می‌شد، دست‌یافتن به زبان و فهم مشترک، البته در مراحل ابتدایی مثل دایره‌ی واژگان و واژگان پایه، طرح می‌شد» (همان: ۹).

در نقدهای بررسی‌شده نیز، تکیه و توجه اصلی منتقدان بر توانش زبانی مخاطبان بوده است؛ به‌طوری‌که منتقدان در بررسی سیزده داستان، به ناهمخوانی واژگان، نشر و زبان این آثار با گروه سنی مخاطبان اشاره کرده‌اند. همچنین براساس نقدها، محتوا و

مضمون چهار داستان با ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبانشان تناسب ندارند. توجه خاص نویسندگان این دوره به تناسب محتوای داستان‌ها با نیازها و ویژگی‌های مخاطبان، نشان‌دهنده‌ی اهمیت بیشتر محتوا و مضمون آثار کودک و نوجوان در مقایسه با ظاهر و ویژگی‌های زبانی این آثار یا همان غلبه‌ی رویکرد اخلاقی در ادبیات کودک و نوجوان است.

براساس نوع متن نیز می‌توان به دسته‌بندی و شناخت مخاطبان دست‌یافت (نک: سیدآبادی، ۱۳۹۱: ۴۹). هر متنی بسته به ویژگی‌های خاصی که دارد، واکنشی خاص را در مخاطب برمی‌انگیزد. با درنگ بر اصول مخاطب‌شناسی می‌توان واکنش مخاطبان را بهتر و دقیق‌تر پیش‌بینی کرد و به دنبال آن، متن‌هایی مناسب را برای کودکان آفرید؛ برای نمونه، نعیمی درباره‌ی حضور ملموس نویسنده در داستان *قطار آن شب* می‌نویسد: «نویسنده با حضور عینی خود در قالب معلم، فاصله‌ی میان نویسنده و مخاطب را برمی‌دارد و حضور نامرئی خود را برای او مرئی می‌گرداند» (نعیمی، ۱۳۷۹الف: ۲۷). کائدی نیز نظری شبیه به این مضمون دارد (نک: کائدی، ۱۳۷۹ب: ۱۲)؛ اما باید دید این نظرها و برداشت‌های منتقدان تا چه حد با واقعیت و نیازهای مخاطبان همخوان است. آیا واکنش‌هایی که منتقدان به‌عنوان عکس‌العمل مخاطبان کودک بیان می‌کنند و بر اساس آن به نقد و بررسی کتاب می‌پردازند، واکنش حقیقی کودکان است؟

هانت درباره‌ی واکنش کودکی به نام آنا به حضور راوی در داستان چنین می‌گوید: «مشکلات آنا با راویان اول‌شخص یا خدای مداخله‌گر نویسنده/راوی، توجه ما را به مشکلات توصیف و فهم آنچه در سرودن داستان در کتاب روی می‌دهد، نیز جلب می‌کند. قصه‌ی تام کیتن چنین پایان می‌گیرد: 'و فکر می‌کنم روزی باید کتاب بلند دیگری بنویسم و بیشتر راجع به تام کیتن برایت بگویم.' که پاسخ آنا در برابر آن چنین بود: 'چه کسی این را گفت؟'» (هانت، ۱۳۸۷: ۶۳۹)؛ درواقع حضور راوی در داستان، موجب واکنشی غیرمنتظره در مخاطب کودک (آنا) شده است؛ درحالی‌که این ویژگی چنین واکنشی را در مخاطبان بزرگ‌سال بر نمی‌انگیزد؛ پس شاید برخلاف نظر کائدی و نعیمی، مخاطبان *قطار آن شب* نیز واکنشی همانند واکنش آنا داشته باشند.

بنابراین یکی دیگر از مباحثی که در موضوع مخاطب‌شناسی ادبیات کودک باید در کانون توجه قرار گیرد، تفاوت مخاطب و منتقد در ادبیات کودک است. «در ادبیات بزرگ‌سال منتقد نیز در شمار مخاطبان است؛ اما در ادبیات کودک چنین نیست و منتقد



با مخاطب فاصله‌ای بسیار دارد. در ادبیات کودک از این منظر، منتقد قرار است به تحلیل رابطه‌ی متن و مخاطب بپردازد» (سیدآبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

#### ۵-۶. ادبیات دینی

ادبیات دینی کودک و نوجوان، ادبیاتی است که بر اساس تفکر دینی تلاش می‌کند تا مخاطبان ویژه‌اش را در راه تکامل انسانی (طبق آموزه‌های وحی) یاری رساند (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۶: ۲۴۲). از آنجاکه اغلب آثار و روایت‌های دینی بر اساس واقعیت‌ها و روایات تاریخی شکل می‌گیرند، احتمال داستانی‌نبودن و نزدیک‌شدن روایت داستانی اثر، به گونه‌هایی گوناگون، از جمله زندگی‌نامه، خاطره، گزارش، قطعه‌ی ادبی و... وجود دارد. همچنین عواملی مانند تقدس شخصیت‌ها، سبب تکرنگ‌شدن و دشواری شخصیت‌پردازی آن‌ها در این گونه‌ی داستانی می‌شود. یکی از روش‌های سودمند در شخصیت‌پردازی، آفرینش شخصیت‌های خاکستری است که حقیقت‌نمایی بیشتری دارند؛ اما تقدس و جایگاه ویژه‌ی شخصیت‌ها در ادبیات مذهبی و همچنین علاقه و ارادت نویسندگان این آثار به آن‌ها، اغلب شخصیت‌پردازی و در نتیجه روایت داستان را دشوار می‌کند.

موضوع ۳۱ داستان (۲۸٪) بررسی شده، ادبیات دینی بوده که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان و فعالان ادبیات کودک و نوجوان به این گونه‌ی ادبی باشد. در مجموع با بررسی نکات مدنظر منتقدان، آسیب‌شناسی جریان ادبیات دینی این دوره عبارت‌اند از: یکدست‌نبودن و ضعف روایت داستانی اثر، ناهمخوانی واژگان و محتوای اثر با گروه سنی مخاطب، وجود اشکالات تاریخی و مستندنبودن مطالب مطرح‌شده در داستان‌ها.

#### ۵-۷. بازنویسی و بازآفرینی

در مجموع ده نقد و چهار مقاله به موضوع بازنویسی و بازآفرینی و بررسی این آثار اختصاص یافته‌اند. وجود بحث‌های نظری و نقدهای عملی درباره‌ی این موضوع، نشان‌دهنده‌ی جایگاه مهم بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک و توجه منتقدان و نویسندگان به آن است؛ البته نحوه‌ی بررسی آثار بازنویسی و بازآفرینی‌شده نیز شایان توجه است. از نظر پایور، مهم‌ترین عامل در یک بازنویسی هنری، دادن ساختار هنری

به موضوع است (نک: پایور، ۱۳۷۸: ۱۸)؛ اما منتقد چگونه می‌تواند ساختار هنری یک بازنویسی را تشخیص دهد؟ جمالی در مقاله‌ی خود در کتاب *بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات*، به نقل از رهگذر، چنین می‌نویسد: «...[نویسنده] باید داستان قدیمی را هماهنگ با تکنیک داستان امروزی بازسازی کند؛ یعنی برای داستان، گره و اوج و درگیری‌های منطقی و قبول‌کردنی درست کند. روش داستان‌نویسی قدیمی که شبیه افسانه‌گویی است در زمان خود بسیار مطلوب بوده است، ولی نمی‌تواند بی‌کم‌وکاست عیناً تکرار شود. نویسنده‌ی امروز باید داستان قدیمی را بگیرد و روی آن کار کند و با ویژگی امروزی بنویسد» (همان: ۲۳). بنابراین منتقد باید به اثر در قالب یک داستان امروزی و با معیارهای نقد مخصوص به آن بنگرد؛ درحالی‌که شاید بتوان گفت این موضوع کمتر در کانون توجه منتقدان بوده است؛ زیرا میزان وفاداری بازنویس به متن اصلی و همچنین میزان تناسب تغییرات اعمال‌شده با نیازها و ویژگی‌های مخاطب، از مهم‌ترین نکاتی است که منتقدان به آن توجه داشته‌اند.

با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های مخاطب در نقد اثر، در واقع مسئله‌ی مخاطب‌شناسی مطرح می‌شود. چگونگی امروزی کردن زبان اثر، تناسب آن با ویژگی‌ها و توانش زبانی مخاطب، توجه به تناسب محتوای اثر با گروه سنی مخاطب، بررسی همخوانی تغییرات اعمال‌شده در ساختار داستان با فرهنگ مخاطب و... همگی نشان‌دهنده‌ی جایگاه تأمل برانگیز مخاطب‌شناسی در بازنویسی و بازآفرینی و ضرورت توجه منتقدان به آن است.

#### ۵-۸. طنز

شیوه‌های طنزپردازی در ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات بزرگسال، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. احترامی این روش‌ها را یکسان دانسته و بر آن است که اگر تفاوتی هم وجود دارد، حاصل تجربه‌ی شخصی طنزنویس است؛ اما افرادی چون حسن زاده حتی طنز کودک را از طنز نوجوان متفاوت می‌دانند (نک: پدرام، ۱۳۸۳: ۱۱). به‌طور قطع، عواملی مانند تفاوت‌های موجود در زبان، محدوده‌ی تجربه و ویژگی‌های شخصیتی مخاطبان کودک و بزرگسال، تفاوت‌هایی را در نحوه‌ی پردازش و نقد متون طنزآمیز به وجود می‌آورند.

با نگاهی بر نقد آثار طنزآمیز می‌توان دریافت، تنها سه داستان به‌طور ویژه با موضوع طنز نوشته شده است و هفت داستان نیز، مایه‌هایی از طنز دارند. به‌طور کلی منتقدان در بررسی این آثار، کمتر به تعریف و مشخص کردن نوع طنز پرداخته‌اند. به شگردهای طنزپردازی در این آثار، به‌صورت کلی و گذرا توجه شده است. همچنین، منتقدان ماهیت ویژه‌ی مخاطبان این آثار و تفاوت‌هایی را که ویژگی‌هایشان در بررسی این متون به وجود می‌آورد، در نظر نداشته و غالباً از اصول و شیوه‌های موجود در طنزپردازی برای بزرگسالان بهره برده‌اند.

بنابر یافته‌های چیت‌سازی، داستان طنز از جمله گونه‌هایی است که کمترین تعداد را در سه گروه سنی «الف» و «ب» و «ج» دارد؛ از این رو، طنز و درون‌مایه‌های طنزآمیز، از درون‌مایه‌های تهی و حذف‌شده‌ی ادبیات کودک دهه‌ی هفتاد به شمار می‌رود و کمتر در کانون توجه نویسندگان کودک قرار گرفته است (نک: چیت‌سازی، ۱۳۸۷: ۳۶).

#### ۵-۹. رویکرد تعلیمی و آموزش‌محور

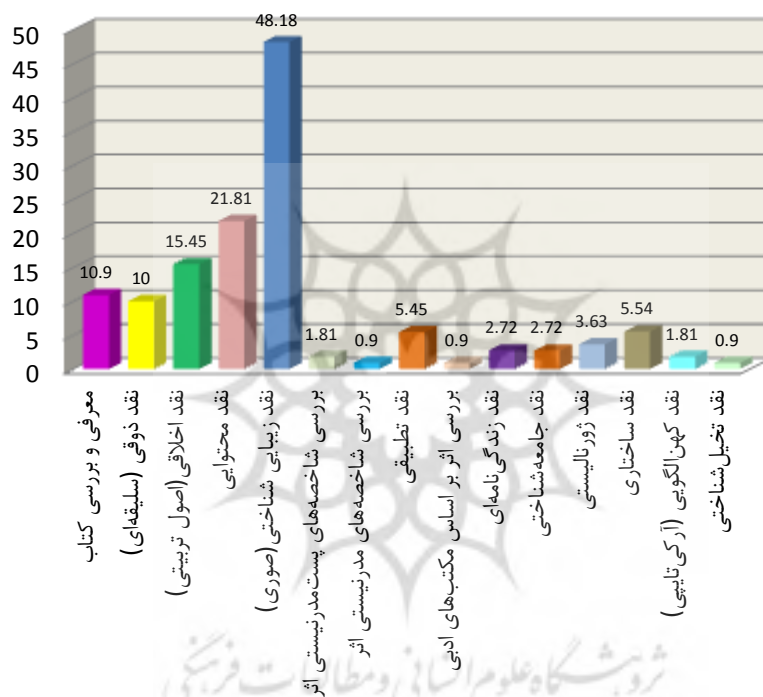
بنابر تعریف حجوانی، رویکرد آموزش‌محور «ادبیات کودک را فرآیندی آموزشی و ارتباطی می‌داند و برای آن نسبت به وجود جوهره‌ی ادبی اولویت قائل است؛ البته همه‌ی معتقدان به این رویکرد مانند یکدیگر نمی‌اندیشند، اما همه در اولویت و اصالت آموزش در ادبیات کودک اتفاق نظر دارند و با شدت و ضعف، زیبایی را در حد ابزاری برای تحقق اهداف آموزشی تلقی می‌کنند» (حجوانی، ۱۳۸۹: ۳۰).

منظور از رویکرد تعلیمی در این نوشتار، نگاه خاص شاعر، نویسنده و منتقد در نگارش و بررسی اثر است؛ گاهی نویسنده و شاعر اثرشان را با هدف آموزش مفاهیم و مطالب گوناگون (آموزش کامپیوتر، ریاضی، ورزش و...) یا تعلیم نکته و آموزه‌ای اخلاقی و دینی خلق می‌کنند؛ منتقد نیز ممکن است در بررسی و تحلیل خود، به اثری که متن بر نگاه و اخلاق و زندگی مخاطب می‌گذارد، توجه کند. چنین نگاه و رویکردی، به‌طور تقریبی، در ۲۲ نقد شعر (۵۰٪) و ۲۵ نقد داستان (۲۳٪) دیده می‌شود. از آنجاکه بیشتر داستان‌های دینی به قصد الگودهی و اثرگذاری شخصیت داستان بر خوانندگان نوشته می‌شود، می‌توانند در زمره‌ی آثار تعلیمی قرار بگیرند؛ البته تعلیمی بودن یا نبودن برخی از این آثار، می‌تواند جای بحث باشد. با در نظر گرفتن داستان‌های مذهبی در گروه آثار آموزش‌محور، در مجموع ۵۶ داستان (۵۰٪) نقد شده،

در شمار آثار تعلیمی و آموزش‌محور قرار می‌گیرند و این رویکرد را به رویکرد غالب نقد ادبیات کودک در این دوره تبدیل می‌کنند.

نمودار شماره‌ی ۲: بسامد رویکردهای استفاده‌شده در نقد داستان‌های تألیفی کودک و نوجوان

### درصد



### ۶. نتیجه‌گیری

با بررسی موضوعات مقاله‌های تألیفی می‌توان دریافت که ادبیات عامیانه و کلاسیک و بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های انجام‌شده از آن‌ها، در ادبیات کودک و نوجوان جایگاه و اهمیتی ویژه دارد. نزدیک به ۳۴٪ مقاله‌های تألیفی، به آشنایی با نویسندگان کودک و نوجوان اختصاص یافته؛ البته این مقاله‌ها گاهی به نقد عملی آثار نویسندگان و شاعران نیز نزدیک شده‌اند؛ اما بیشتر آن‌ها کلی هستند و فقط به نظریه‌ی حاکم بر کل آثار شاعران و نویسندگان توجه کرده‌اند.

گفتنی مهم دیگر اینکه در زمینه‌ی نظریه‌ی ادبیات کودک و خلق آثار نظری، بسیار کمتر از نقد آن کار شده است. همچنین باید گفت مقاله‌های تألیفی کتاب ماه کودک و نوجوان ساختاری مشخص و خاص ندارند و بیشتر از اینکه نقدهایی تحلیلی باشند، مقالاتی توصیفی هستند. به تدریج، حجم مقالات، تعداد و تنوع موضوعی آن‌ها در هر شماره افزایش یافته و ترجمه‌ی مقاله‌های خارجی و معرفی و نقد آثار نویسندگان خارجی نیز به موضوعات آن‌ها اضافه شده است. این موضوع، روند روبه‌رشد مقالات و افزایش توجه به ابعاد گوناگون ادبیات کودکان را نشان می‌دهد.

موضوع ۵۲٪ مقالات ترجمه‌شده، بررسی وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون است. این مقاله‌ها نوشته‌هایی صرفاً توصیفی هستند و بحث‌های تحلیلی، نظریه‌پردازی و نقد را مطرح نکرده‌اند. تنها ۲۱٪ مقاله‌ها به موضوعات نظری و نقد ادبیات کودک پرداخته و نوشته‌هایی تحلیلی هستند؛ علاوه‌براین، در این مقاله‌ها کتاب‌شناسی منابع اصلی، علت انتخاب این آثار برای ترجمه و در صورت تلخیصی بودن، دلیل خلاصه‌نویسی آن‌ها بیان نشده است. موضوعات محدود و همکاری تعدادی اندک از مترجمان با این نشریه، نشان‌دهنده‌ی کم‌کاری و ضعف کتاب ماه کودک و نوجوان در بخش ترجمه، به‌ویژه ترجمه‌ی متن‌های نظری است؛ باوجوداین، روند پیشرفت وضعیت ترجمه در این نشریه به‌خوبی آشکار است. بررسی مقاله‌های ترجمه‌شده نشان می‌دهد که در کشورهای صنعتی و پیشگام در زمینه‌ی ادبیات کودکان، بیشتر به موضوعات و آثار تخیلی جادویی پرداخته می‌شود؛ درحالی‌که بخشی چشمگیر از ادبیات کودک و نوجوان کشورهای دیگر، به بازآفرینی و بازنویسی داستان‌ها و حکایت‌های ادبیات شفاهی و عامه‌ی آن‌ها اختصاص دارد.

رویکردهای نقد سنتی پربسامدترین رویکرد استفاده‌شده در ۴۴ مقاله‌ی نقد کتاب شعر هستند؛ تنها یک نقد با استفاده از رویکردهای جدید (نقد تطبیقی) نوشته شده است. حدود ۲۹٪ شعرها از ادبیات عامیانه اثر پذیرفته‌اند. بیشترین نمود این اثرپذیری، در ساختار و قالب شعرها، به‌صورت استفاده از وزن‌های هجایی و کلمات شکسته و محاوره‌ای نمایان شده است. براساس نقدهای موجود، بازاری‌سرایبی و سفارشی‌نویسی و کتاب‌سازی از جریان‌های آسیب‌زا در این گونه شعرهاست. خلق آثار کودکانه‌نما نیز که از دیگر نکات شایان توجه در آسیب‌شناسی جریان شعر کودک و نوجوان است، به دنبال شناخت اندک و نادرست مخاطب و بی‌توجهی به نیازها و وضعیت او شکل

گرفته است. نگاه غیرتخصصی و کاملاً ذوقی در نقد آثار طنز و تصویرگری آثار، لحن نامناسب منتقد، نقد صاحب اثر به جای نقد خود اثر، مشکلات و ایرادهای روش‌شناسانه، ناآشنایی با ویژگی‌های مخاطب و بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های او از دیگر مسائلی است که در آسیب‌شناسی جریان نقد شعر کودک و نوجوان این دوره وجود دارد.

تعداد فراوان مقالاتی که به نقد داستان‌ها پرداخته‌اند، در مقایسه با تعداد مقالات نقد شعر، از توجه فراوان منتقدان به داستان کودک و نوجوان حکایت می‌کند. همچنین در نقد داستان‌ها، از رویکردهای جدید نقد بیشتر بهره برده شده است؛ البته در نقد داستان‌ها نیز همچون نقد شعر، غلبه با رویکرد سنتی است. در دوره‌ی بررسی‌شده، به تدریج قالب‌ها و سبک‌های جدید ادبی از جمله فانتزی و شیوه‌های مدرنیستی و پست‌مدرنیستی وارد ادبیات کودکان شده است؛ از این رو می‌توان گفت جریان آفرینش آثار ادبی و نقد ادبی در این دوره، در حال گذار از قالب‌ها و سبک‌های سنتی و شناخته‌شده‌ی پیشین به سبک‌ها و قالب‌های جدیدتر بوده است. در بیشتر نقدها از یک رویکرد روشن و مشخص استفاده نشده، بلکه آمیزه‌ای از چند رویکرد گوناگون به کار گرفته شده است؛ در این مقاله‌ها، منتقد به جای نقد آثار براساس ویژگی‌ها و معیارهای رویکردی خاص، تنها به استفاده از آن رویکرد نزدیک شده و بیشتر بنابر نوع نگاه، اطلاعات و سلیقه‌ی خود عمل کرده است. پربسامدترین رویکرد در نقد داستان‌ها، رویکرد صوری (زیبایی‌شناسانه) است. در نقد ۷۶٪ از داستان‌ها، از رویکردهای گوناگون نقد سنتی استفاده شده است؛ البته استفاده از رویکردهای جدید نقد، روندی روبه‌رشد داشته و به تدریج بر تنوع و تعداد آن‌ها افزوده شده است.

جای خالی آثاری که به وسیله‌ی کودکان و نوجوانان نوشته یا نقد می‌شود، همچنین لزوم توجه به آن‌ها برای دستیابی به ذوق زیبایی‌شناسانه و خوانش کودکانه، دیده می‌شود. توجه منتقدان، بیشتر به توانش زبانی مخاطبان معطوف بوده است. ادبیات دینی و بازنویسی و بازآفرینی از قالب‌های مورد توجه این دوره است؛ در مقابل، قالب طنز کمتر در کانون توجه منتقدان و نویسندگان قرار گرفته است. افزون‌براین، در این دوره نیز، نگاه و رویکرد تعلیمی و آموزش‌محور هم‌چنان رویکرد غالب است.

## یادداشت‌ها

- (۱). از نظر خسرونژاد، نظریه‌ی «درون‌زا» نظریه‌ای است که مفاهیم و اصول خود را از تحلیل خود ادبیات گرفته باشد و نه از عوامل و عناصر بیرون از آن (نک: خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۵).
- (۲). منظور از نقد ذوقی (سلیقه‌ای)، رویکردی است که اصول و ضابطه‌ای در آن دیده نمی‌شود؛ در واقع روش نقد را معیار و شیوه‌های علمی نقدهای روش‌مند تعیین نمی‌کند؛ بلکه ذوق و سلیقه‌ی شخصی منتقد تعیین‌کننده است. بنابر نظر حجوانی، منتقد در این شیوه «ادعا می‌کند، اما استدلال نمی‌کند و شاهد مثال نمی‌آورد» (حجوانی، ۱۳۸۱: ۷۲).

## فهرست منابع

- آقایاری، خسرو. (۱۳۷۵). *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان و معیارهای نقد و بررسی کتاب*. تهران: سرآمد کاوش.
- امجدیان، کیوان. (۱۳۷۹). «قصه‌ای مدرن برای بچه‌ها». کتاب ماه کودک نوجوان، شماره ۳۵، صص ۳۲ و ۳۳.
- پایور، جعفر. (۱۳۷۸). «بلیناس! بلیناس جادوگر راز سرما را بگوی». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۱، صص ۱۸-۲۱.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸). *بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات*. تهران: کتابدار.
- پدرام، نگار. (۱۳۸۳). «بچه‌ها نگران اخلاق پدرها و مادرهایشان هستند؛ حرف‌های طنزنویسان درباره‌ی طنز کودکان». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۸۶، صص ۱۰-۱۵.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۷). *بنیادهای ادبیات کودک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- چیت‌سازی، الهه. (۱۳۸۷). «تصحیح طنز». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۳۰ و ۱۳۱، صص ۳۲-۳۶.
- حافظی، علی‌رضا. (۱۳۷۶). «کجاست داستان؟ کدام است پهلوان؟». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۴ و ۵، صص ۷ و ۶.
- حجوانی، مهدی. (۱۳۷۵ الف). «ادبیات کودکانه‌نما». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۶، صص ۲-۴.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۵ ب). «کودکانه‌نمایی و نوآوری». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۷، صص ۲-۷.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). «مخاطبان گمشده». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۹، صص ۴۲-۴۹.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). «گام‌های اول در نقد ادبیات کودک و نوجوان». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۵۹، صص ۷۰-۷۷.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹ الف). «بررسی تحلیلی سیر نقد ادبیات کودک و نوجوان در ایران؛ با نگاهی آسیب‌شناسانه به قالب نقد». مطالعات ادبیات کودک، سال ۱، شماره ۱، صص ۷۵-۹۹.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹ ب). زیبایی‌شناسی ادبیات کودک. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسام‌پور، سعید. (۱۳۸۹). «بررسی خواننده‌ی نهفته در داستان‌های احمد اکبرپور». مطالعات ادبیات کودک، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۷.
- \_\_\_\_\_ و همکاران. (۱۳۹۳). «تارنمای برهم‌کنشانه‌ی متن و تصویر با بررسی تطبیقی کتاب‌های برتر داستانی تصویری ایرانی و غیرایرانی». مطالعات ادبیات کودک، سال ۵، شماره ۲، صص ۲۵-۵۴.
- حکیمی، محمود و مهدی کاموس. (۱۳۸۶). مبانی ادبیات کودک و نوجوان؛ ویژه‌ی ادبیات دینی. تهران: آرون.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه‌ی ادبیات کودک. تهران: مرکز.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- دامیار، زهرا. (۱۳۷۸). «در جست‌وجوی من». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۷، صص ۲۷ و ۲۸.
- رضوی، عبدالحمید و مسنن فارسی، حسین. (۱۳۸۹). «وضعیت استناد در پژوهشنامه و کتاب ماه کودک و نوجوان». مطالعات ادبیات کودک، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۱-۱۰۰.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). از این باغ شرقی؛ نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سهراب (مافی)، معصومه. (۱۳۷۲). هفده مقاله درباره‌ی ادبیات کودک. تهران: شورای کتاب کودک.



- سیدآبادی، علی اصغر. (۱۳۷۸). «حق داری بدانی زندگی تلخ است؛ خیلی تلخ». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۹، صص ۱۵ و ۱۶.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). عبور از مخاطب‌شناسی سنتی. تهران: فرهنگ‌ها.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). کتاب کودک کتاب با واسطه؛ مقدمه‌ای بر مخاطب‌شناسی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شاه‌آبادی فراهانی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). مقدمه بر ادبیات کودک؛ بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی. تهران: نغمه‌ی نواندیش.
- شرف‌الدین نوری، بزرگمهر. (۱۳۸۰). «بهترین عکاس کودکان در قرن نوزدهم؛ نگاهی بر تأثیر و تأثر نقد ادبیات کودک از کتاب‌های آلیس». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۴۴، صص ۳۷-۴۱.
- علمی، محمدعلی. (۱۳۷۸). «این فقیران دیگرند». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۶-۱۸.
- قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
- کاندی، شهره. (۱۳۷۸ الف). «اندر مضرات عقل». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۲، صص ۱۸-۲۰.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸ ب). «سایه‌ی اخلاق بر جزیره‌ی افسونگران». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۲۸، صص ۲۱ و ۲۲.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹ الف). «تخیل همیشه وارونگی نیست». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۲، صص ۲۴-۲۶.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹ ب). «قطاری که از ریل رئالیسم خارج شده». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۴، صص ۱۱-۱۳.
- کارین‌لسنیک، ابرستین. (۱۳۷۷). «در شناخت کودک: زبان نقد در ادبیات کودکان ۱». کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه‌ی فرزانه سجودی، شماره ۱۷، صص ۲۶-۳۰.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). «در شناخت کودک: زبان نقد در ادبیات کودکان ۲». کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه‌ی فرزانه سجودی، شماره ۱۸، صص ۱۸-۲۳.
- لاج، دیوید و همکاران. (۱۳۸۶). نظریه‌ی رمان؛ از رئالیسم تا پسا‌رئالیسم. ترجمه‌ی حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۷۵). «فرآیند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۷، صص ۸-۲۴.

- \_\_\_\_\_ . (الف ۱۳۷۸). «چهار محور سازنده‌ی متن ادبی کودکان». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۶، صص ۱۲-۱۸.
- \_\_\_\_\_ . (ب ۱۳۷۸). روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ . (ج ۱۳۷۸). فانتزی در ادبیات کودکان. تهران: روزگار.
- \_\_\_\_\_ و قائینی زهره. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات کودکان ایران. ج ۱ و ۶ و ۷، تهران: چیستا.
- \_\_\_\_\_ مهدی‌پور عمرانی، روح‌الله. (الف ۱۳۷۹). «استاینیسم در ادبیات کودکان». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۷، صص ۳۱-۳۴.
- \_\_\_\_\_ . (ب ۱۳۷۹). «شاعر اندیشه‌پرداز؛ نگاهی به شعر زنده‌یاد سلمان هراتی». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۷، صص ۱۷-۲۱.
- \_\_\_\_\_ ناولز، مورای و مامجر، کرستن. (الف ۱۳۸۰). «کارکرد زبان در ادبیات کودک ۱». کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه‌ی شهرام اقبال‌زاده، شماره ۴۳، صص ۵۳-۵۸.
- \_\_\_\_\_ . (ب ۱۳۸۰). «کارکرد زبان در ادبیات کودک ۲؛ گونه‌های ادبی در ادبیات کودک». کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه‌ی شهرام اقبال‌زاده، شماره ۴۴، صص ۶۸-۷۰.
- \_\_\_\_\_ ناهید، مصطفی. (۱۳۷۷). «حسن کچل از دو نگاه». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۱ و ۱۰.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹). «گشت و گذاری با آدم‌های بایرامی». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۱، صص ۲۷-۲۹.
- \_\_\_\_\_ نعیمی، زری. (الف ۱۳۷۹). «اما، های مهم اکبرپور». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۷، آبان، صص ۲۶-۲۸.
- \_\_\_\_\_ . (ب ۱۳۷۹). «اسیر شهر خاکستری». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۳۸، صص ۲۶-۲۹.
- \_\_\_\_\_ ورزی، کاتارینا. (۱۳۹۰). «تاریخ فانتزی کودکان و عناصر آن». فصلنامه‌ی روشنان، دفتر ۱۲، صص ۶-۱۵.
- \_\_\_\_\_ هانت، پیتر. (۱۳۸۷). «نقد ادبی کودک‌گرا؛ خرده‌فرهنگ کودک، کتاب و منتقد»، در کتاب دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک. به‌کوشش مرتضی خسرونژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.